

متن پرسش

باسلام خدمت استاد گرامی: همسرمن آقایی است که من وشرایطم را درک نمی کند و مدام باایجادتنش روح وروانم رادچار آسیب کرده است . بهترین راه رابرای اینکه بهتر بتوانم به عبادات و کارهای دینی ام پردازم در جدایی میبینم اما با کمی تامل منصرف میشوم چراکه وقتی به درونم نگاه میکنم میبینم که به او علاقه مندم وهمین علاقه مندی را از اونسبت به خودم حس میکنم اگرچه فکر میکنم بسیار از هم دوریم.واقعا چه باید بکنم ختم این زندگی باطلاق یاتحمل یک عمرتنش ،تناقض ونامیدی از این که نتوانسته ام به آرمان های دینی ام برسم؟ چه باید بکنم؟ لطفا کمکم بکنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: چرا عالم دینی خود را اینقدر تنگ کرده‌اید که جایی برای دل سپردن و خوش بودن با همسران نگذاشته‌اید؟ رضایت خدا در آن است که در عین ایجاد فضای اُنس با خدا، فضای اُنس با همسران را در خود ایجاد کنید تا دارای شخصیتی گسترده باشید. انسان نباید عالم دینی خود را طوری شکل دهد که به نحوی از نظر روحی ناقص شود و از لذات حلال خود را کنار بکشد، این کار موجب سرخوردگی می‌شود و پس از مدتی شوق عبادات و حضور در عبادات از بین می‌رود و فقط قالب عبادات می‌ماند و عادت ما به حفظ قالب عبادات. موفق باشید